



Brain drain and the quality of governance with an emphasis on the phenomenon of politicization in Iran

Moslem Noorzadeh^{*1} | Jalil Dara² | Zeinab Noori Mombeyni³

Abstract

While examining the concept of brain drain and the approaches and patterns governing this phenomenon, this article has analyzed the causes of brain drain in Iran with emphasis on political factors (unfavorable governance and the phenomenon of politicization) and presented solutions to reduce this phenomenon. This research was done with descriptive-analytical method and by referring to library sources. In many developing countries, the departure of elites from the country, whose education costs are usually very high, causes irreparable losses to them. The phenomenon of brain drain in Iran due to various economic, cultural, political, etc. reasons has become pervasive and sometimes a crisis in recent years. The findings of this research show that politically, the phenomenon of brain drain is the result of politicization and unfavorable governance, which itself is the result of political intervention on social relations. This issue leads to the prioritization of personal or group interests of the ruling group, and in this way it hinders logical and principled planning and policy making. As long as such a trend prevails, the government of such a country will distance itself from the characteristics of good governance (transparency and accountability, political stability and non-violence, government effectiveness, quality of law enforcement, judicial provision, corruption control), which are consequences. Because it leads to brain drain.

Keywords: Desirable cooperation, politicization, brain drain, immigration, Iran.

1. PhD, student of Political Science, University of Isfahan, Iran

Moslemnz1364@gmail.com

2. Associate Professor of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

3. PhD in Philosophy of Education, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فرار مغزها و کیفیت حکمرانی با تاکید بر پدیده سیاست‌زدگی در کشور ایران

مسلم نوری زاده^{۱*} | جلیل دارا^۲ | زینب نوری ممبئی^۳

چکیده

نوشتار حاضر ضمن بررسی مفهوم فرار مغزها و رویکردها و الگوهای حاکم بر این پدیده، به واکاوی علل فرار مغزها در ایران با تاکید بر عوامل سیاسی (حکمرانی نامطلوب و پدیده سیاست‌زدگی) و ارائه راهکارهایی جهت کاهش این امر پرداخته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، خروج نخبگان از کشور که معمولاً هزینه تربیت آنها بسیار زیاد می‌باشد، زیان‌های غیرقابل جبرانی به آنها وارد می‌کند. پدیده فرار مغزها در ایران بنا به دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... در سال‌های اخیر فراگیر و گاهاً بحران‌زا شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به لحاظ سیاسی، پدیده فرار مغزها حاصل سیاست‌زدگی و حکمرانی نامطلوب می‌باشد که خود معلول مداخله امر سیاسی بر روابط اجتماعی است. این موضوع منجر به در اولویت قرار گرفتن منافع شخصی و یا دسته‌ای گروه حاکم شده و به این ترتیب مانع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منطقی و اصولی می‌شود. تا زمان حاکم بودن چنین روندی، حکومت از شاخصه‌های حکمرانی خوب (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری قوانین، تامین قضایی، کنترل فساد) فاصله می‌گیرد که خود پیامدهایی همچون فرار مغزها را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی مطلوب، سیاست‌زدگی، فرار مغزها، مهاجرت، ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

moslemnz1364@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران.

۲. دانشیار رشته علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

۳. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

نیروی انسانی آموزش دیده و ماهر نقشی مهم در پیشرفت همه‌جانبه کشورهای دارد و از همین روست که کشورهای کمتر توسعه یافته جهت نیل به رشد و پیشرفت همه‌جانبه بیشتر، اقدام به صرف امکانات مالی و منابع خود در راستای تعلیم و آموزش این نیروهای انسانی می‌نمایند (معافی، ۱۳۸۸: ۷). اما با مهاجرت این نیروی‌های متخصص و مهارت یافته، چون هزینه‌های مصروف آموزش آنها جبران نشده است، کشورها دچار خلاء و جمود گردیده و واپس ماندگی کشورهای در حال توسعه را گسترش داده و زیان جبران ناپذیری متوجه آنها خواهد کرد (شاه آبادی، کریم کشته و محمودی، ۱۳۸۵: ۴۱). دانشمندان به دنبال همکاری‌اندیشمند، امکاناتی عالی و پاداش‌های مالی روز افزون‌اند. این امر ممکن است موجبات مهاجرت‌های فراوانی در کشورهای در حال توسعه با عنوان فرار مغزها را فراهم آورد. پدیده فرار مغزها^۱ در سال‌های اخیر یکی از مسائل بحث برانگیز کشورهای در حال توسعه است. مهم‌ترین علل فرار مغزها شامل علل علمی، تحقیقاتی، اقتصادی-اجتماعی و سیاسی است که در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره کرد: تلاش برای یافتن شغل بهتر، در آمد و رفاه بیشتر و ادامه تحصیل، نبودن اسناد و مدارک و لوازم ضروری برای ادامه پژوهش، نبود مخاطب‌های هم سطح در محیط کار (رشنو، ۱۳۸۲: ۱۴۶-۱۴۵)، تضادهای سیاسی و محیطی (Simon, 2002: 4)، نامتناسب بودن رفتار و شرایط آموزشی، کیفیت پایین و منابع مالی محدود آموزش عالی، شرایط نامناسب رفتاری در محیط کاری (Mei, 2010) و تفاوت سطح درآمد متخصصین در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه. (Stark, 2002, 341) پورتز (Portes, 1976, 489) فرار مغزها را معلول شرایط بین‌المللی، ساختار اجتماعی و اقتصاد ملی کشورها و شرایط و ویژگی‌های افراد می‌داند. نتایج تحقیق انتظار خیر^۲ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد شرایط اقتصادی ایران و وضعیت بازار کار کانادا عامل مهمی در توضیح مهاجرت و فرار مغزها به کانادا طی دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ بوده است.

ایران در زمره کشورهایایی است که با مسئله فرار مغزها و مهاجرت مکانی به دلایلی از جمله پایین بودن سطح توسعه و درآمد سرانه کشور، مدیریت ضعیف نظام آموزش عالی، شرایط

1. Brain Drain
2. Entezarkheir

نامطلوب کار (داورزنی، ۱۳۸۵: ۴) روبرو است. چند سالی است که فرار مغزها در کشورهای خاورمیانه تبدیل به یک امر طبیعی شده است؛ دیدگاه سنتی، فرار مغزها را به عنوان کاهش مستقیم سرمایه انسانی در نظر می‌گیرد، اما در دیدگاه نوین علاوه بر مواردی که در دیدگاه‌های سنتی مد نظر بوده، آثار مثبت ناشی از فرار مغزها نیز در نظر گرفته شده است (حری، ۱۳۹۴: ۳۵). در دیدگاه جدید فرار مغزها و خروج نیروی انسانی تحصیل کرده و ماهر، به منظور ارائه‌ی خدمات خود در بازارهای خارجی و به تبع آن کسب بازده بیش تر در خارج از کشور، از یک سو بازدهی مورد انتظار تحصیل و به طور کلی موجودی سرمایه‌ی انسانی را در کشورهای مبدأ افزایش می‌دهد و از سوی دیگر چون تمام این افراد موفق به خروج از کشور نمی‌شوند در نتیجه سطح عمومی تحصیلات و مهارت در کشور مبدأ افزایش پیدا می‌کند. بنابراین بر اساس مدل‌های رشد درون زای اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌ی انسانی، رشد اقتصادی و رفاه در کشورهای مهاجر فرست (مبدأ فرار مغزها) افزایش پیدا می‌کند (عسگری و تقوی، ۱۳۹۰: ۹۰).

از میان عوامل موثر بر فرار مغزها، عوامل سیاسی و سیاست می‌تواند تاثیر مستقیمی بر سایر عوامل داشته باشد. به عبارتی هر چه میزان قدرت دولت‌ها در استفاده از تکنولوژی و میزان تسلطشان بر امور مختلف زیاد می‌شود، مداخله امر سیاسی بر وجوه متعدد زیست بشر هم افزایش می‌یابد. مداخله در امورات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین مداخله در زندگی خصوصی افراد در هر جامعه‌ای با خود تشریفات زائد و مفصل و پیچیده اداری را به همراه دارد. حکومت چنین کشورهایی از شاخصه‌های حکمرانی خوب (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری قوانین، تامین قضایی، کنترل فساد) فاصله می‌گیرد. در استخدام‌ها و واگذاری مسئولیت‌ها با کنار گذاشتن شایستگی و تخصص اشخاص، ملاک استخدام، روابط حزبی، فامیلی و گزینش‌های سلیقه‌ای می‌باشد. امری که واگذاری مسئولیت‌ها به افراد بدون تخصص منجر شده و پیامدهایی چون آشفتگی امور جامعه، کاهش کارآیی، عدم امکان پیش‌بینی صحیح و فقدان برنامه را به همراه دارد و زمینه‌ساز منزوی و مطرود شدن متخصصان و نخبگان و تنگ شدن عرصه بر آن‌ها می‌گردد (شاه آبادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۱). لذا به نظر می‌رسد فاصله گرفتن حکومت‌ها از مولفه‌های حکمرانی خوب، منجر به بروز حکمرانی نامطلوب و به تبع آن سیاست‌زدگی در شیوه حکومت‌داری را به دنبال داشته باشد.

بنابر آنچه که در بالا مطرح گردید، هدف نوشتار حاضر بررسی رابطه مولفه‌های حکمرانی خوب با پدیده فرار مغزها و تاثیر سیاست‌زدگی به عنوان یکی از مولفه‌های حکمرانی نامطلوب بر افزایش فرار مغزها در کشور ایران است. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که چه رابطه‌ای بین کیفیت حکمرانی و سیاست‌زدگی در کشور ایران و فرار مغزها وجود دارد؟

روش انجام این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و مطالب مورد نیاز از راه فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی گردآوری شده است. ساختار مقاله به این نحو می‌باشد که بعد از مقدمه و بیان مساله، به پیشینه تحقیق پرداخته شد و در ادامه ضمن اشاره به روش تحقیق پژوهش، مفاهیم نظری ذکر گردیده‌اند. بعد از اشاره به مفاهیم نظری، بحث سیاست‌زدگی در ایران و رابطه آن با مسئله فرار مغزها شرح داده شد و ضمن ارائه نمودهایی از سیاست‌زدگی در تدوین قوانین و مقررات به تحلیل رابطه حکمرانی و فرار مغزها پرداخته شد. در انتها نیز نتیجه‌گیری پژوهش آمده است.

مبانی نظری و مفاهیم پژوهش

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب^۱ به عنوان پارادایم جدید در اداره بخش عمومی، نقطه تلاقی و تعامل بین رشته‌های مختلف علوم انسانی مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست‌گذاری عمومی و روابط بین الملل را ایجاد کرده است. این رویکرد از دهه ۱۹۸۰ به بعد توسط نهادهای بین المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آنها به سوی توسعه ارائه شد. از نظر دی‌فرانتی^۲ (۲۰۰۹) مدل حکمرانی خوب نحوه‌ی حکمرانی و کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. این نظریه بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید دارد. اصطلاح حکمرانی خوب نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزاء گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند و به نوعی زمینه‌سازی برای توسعه است. مقوله حکمرانی خوب نشانگر تغییر پارادایم نقش دولت، حکومت و همچنین شراکت دولت و نیروهای اجتماعی

1. ruling good

2. Di Franti

در تصمیم‌گیری است؛ به نوعی صدای همه‌ی مردم هنگامی که تصمیم‌هایی گرفته می‌شود و منابع تقسیم می‌شوند به گوش می‌رسد. حکمرانی خوب دارای دو زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی است. در زمینه‌ی اجتماعی هدف اصلی، حضور هماهنگ نیروهای اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری عمومی و برقراری عدالت اجتماعی است. در زمینه سیاسی که خود بر دو قالب الف) حقوقی با خصوصیات و شخصیت توسعه‌آفرین دولت. ب) قالب مدیریتی با نقش آفرینی راهبردی و کیفی است که در جهت تحکیم دموکراسی عمل می‌کند. (صفریان و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۶، ۱۵۳).

سیاست‌زدگی

تعاریف متعددی از مفهوم سیاست‌زدگی ارائه شده است؛ در فرهنگ آکسفورد «عمل یا فرایند سیاسی سازی یا استوار ساختن بر پایه سیاست است؛ در واقع سیاسی شدن چیزی است» به مفهوم عام عبارت است از: انتقال موضوعات به سمت زمینه‌های سیاسی؛ تغییر موضوعاتی که پیش‌تر سیاسی نبوده‌اند، به موضوعاتی سیاسی. همین‌طور استفاده از سیاست (ناسالم) به شکل افراطی و سنجش تمام جنبه‌های زندگی شخصی و اجتماعی و هنری و ادبی بر اساس آن» (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۵۲۷). به تعبیری دیگر سیاست‌زدگی عبارت است: از همه چیز را سیاسی دیدن و لاغیر» (افروغ، ۱۳۸۸). برخی، سیاست‌زدگی را ابزاری می‌دانند که سیاست‌مداران از طریق آن کنترل خود را بر بخش دولتی افزایش می‌دهند. کلیفورد^۱ و رایت^۲ سیاست‌زدگی را واژه‌ای تلقی می‌کنند که موضوعات متفاوت زیادی را در برمی‌گیرد و به عنوان یک واژه فراگیر تأثیرات متفاوتی از جمله تغییر در ساختارها، رفتارها و روابط را شامل می‌شود. اگر سیاست‌زدگی یا سیاسی کردن را دخالت‌دادن و ترجیح‌انگیزه‌های سیاسی و گروهی در تصمیم‌گیری‌ها بدانیم، در حوزه حکمرانی هم، سیاست‌زدگی عبارت است از رعایت نکردن اصل بی‌طرفی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و دخالت‌دادن دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و سوگیری‌های سیاسی در امور حرفه‌ای، جهت‌دهی سیاسی به موضوعات یا سیاسی کردن هر چیزی که قبلاً سیاسی نبوده

1.Clifford

2.Wright

است؛ تفسیر و داوری درباره موضوعات بر اساس معیارهای سیاسی (Clifford & Wright, 1997, 71)؛ و داوری درباره هر چیزی بر اساس دیدگاه جناحی، تمایلات حزبی و سیاسی از جمله تعاریف سیاست‌زدگی در سطح عام به شمار می‌روند. با این اوصاف، سیاست‌زدگی در سطوح اجرایی و سازمانی به معنای جایگزینی معیارهای سیاسی به جای معیارهای مبتنی بر شایستگی در سطوح مختلف گزینش، ابقا، ترفیع، پرداخت پاداش و انتظام بخشی به کارمندان دستگاه اداری است (Peters & Pierre, 2004: 11). رنسام در مقوله بندی انواع سیاست‌زدگی، به سیاست‌زدگی حزبی (تبدیل مسائل به موضوعات مورد مناقشه میان گروه‌های سیاسی و احزاب)؛ عمومی کردن موضوعات تخصصی برای تأثیر گذاری در تصمیم‌های حاکمیتی و حاکم کردن معیارها و دیدگاه‌های جناحی و حزبی در سیاست‌گذاری‌ها اشاره می‌کند (Ransom, 1987: 26).

به طور کلی می‌توان گفت سیاست‌زدگی در کشورها و جوامع مختلف معانی نسبتاً متفاوتی دارد. در حقیقت معنای آن از یک کشور به کشور دیگر با توجه به اینکه چه چیزی ماهیت واقعی اداره امور عمومی آن کشور را تعیین کند، متفاوت است. اما به طور کلی می‌توان گفت سیاست‌زدگی، جایگزین شدن معیار سیاسی به جای معیار شایستگی است. لذا با نگاهی به مولفه‌های حکمرانی خوب متوجه خواهیم شد که در صورت عدم به کارگیری این مولفه‌ها در نوع حکمرانی کشورها خود تبعاتی از قبیل حکمرانی نامطلوب و پدیده سیاست‌زدگی را به دنبال خواهد داشت.

فرار مغزها

اصطلاح فرار مغزها معادل دو کلمه انگلیسی «Brain Drain» است. «Brain» معنی مغز، متفکر و مغز متفکر می‌باشد و واژه Drain نیز معنای خشکاندن، تحلیل بردن و زهکشی کردن را می‌دهد. پدیده فرار مغزها باعث بیرون رفتن مغزها یا متفکران از یک سرزمین می‌شود. واژه مغزها همه دانشمندان، مخترعان، کارگران ماهر و خلاق، مهندسان و افراد دیگر را که دانش بالا دارند در بر می‌گیرد (دهقان، ۱۳۸۲: ۲۲۰). ادبیات مربوط به فرار مغزها از زمان پایان جنگ جهانی دوم، به ویژه از دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت (مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۷۸: ۱۰). کشورهای اروپایی

برای بازسازی بعد از جنگ، نیاز به افراد متخصص و کارآمد داشتند؛ در نتیجه، خیل عظیم متخصصان با عنوان «مغزها» کشورهای در حال توسعه خود را به سوی کشورهای پیشرفته ترک کردند (دهقان، ۱۳۸۲: ۲۲۰). یونسکو فرار مغزها را با عنوان شکل نابه‌هنجار مبادله علمی بین کشورها تعریف کرده است که با جریان یک طرفه به سود کشورهای توسعه یافته مشخص می‌شود (شعبانلو، ۱۳۸۰: ۱۶).

دو الگوی کلی فرار مغزها

درباره تأثیر شرایط ملی و فراملی بر مهاجرت نخبگان، دو الگوی بین‌المللی و ملی مطرح گردیده است:

۱- الگوی بین‌المللی^۱

در الگوی بین‌المللی یا الگوی جهان‌گرا، پدیده فرار مغزها نتیجه تأثیر و عمل بازار جهانی روی سرمایه انسانی و نیروی فکری است. بر این اساس، سرمایه انسانی از موقعیت شغلی کم درآمد یا از مناطق جغرافیایی ضعیف به مشاغل پر درآمد در مناطق جغرافیایی مناسب‌تر انتقال می‌یابد (عبداللهی، ۱۹۷۹: ۵).

۲- الگوی ملی^۲

در الگوی ملی، استدلال این است که توسعه اجتماعی و اقتصادی هر کشوری منوط به برخورداری از نیروی فکری و سرمایه انسانی است و هرگونه خلل و نقصانی که در آن ایجاد شود، موجب توقف و یا کند شدن فرایند توسعه می‌شود (عبداللهی، ۱۹۷۹: ۶). به طور کلی قشر نخبگان مهاجر می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای مبدا خود داشته باشند. این نخبگان را منبع ایده‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی می‌دانند. ارتباطات و شبکه‌هایی که جوامع نخبگان مهاجر با کشور خود دارند می‌توانند به عنوان کانال مهمی برای تقویت تأثیرات

1. international model

2. national model

مثبت مهاجرت بر کشور مبدا عمل کند. با این وجود هنوز بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، از مهاجرت نخبگان متضرر می‌شوند (رستمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۱).

انواع رویکرد به مهاجرت نیروی متخصص (فرار مغزها)

۱. شکار مغزها^۱

شکار مغزها یک رویکرد مارکسیستی محسوب می‌شود. روش تحلیل در این رویکرد، برون‌نگر، کشش مدار، یک سو نگر و تقلیل‌گرا است. مهاجرت نیروی متخصص در این رویکرد، فرآیندی نیت‌مند و داوطلبانه نیست، بلکه پاسخی است که از محدودیت‌های شغلی و سکونت‌ناشی می‌شود. ماهیت تصمیم‌گیری عقلانی نبوده و بر اثر تهدید و فشار سیاسی و اقتصادی ناشی می‌شود، که این تهدیدات عمدتاً ریشه خارجی دارند (طایفی، ۱۳۸۰: ۸).

۲. فرار مغزها^۲

در این رویکرد، مهاجرت متخصصان محصول نقش آفرینی و تعامل مستقیم و غیر مستقیم عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است و این فرآیند با فقدان نظام آموزشی و نبود سیاست کارآمد نیروی انسانی در کشورهای توسعه نیافته تقویت می‌شود (طایفی، ۱۳۸۰: ۸). پیامد این رویکرد کندی رشد کشورهایی است که باعث فرار مغزها از آن کشور می‌شوند. فرار مغزها، فرار سرمایه‌های نیروی انسانی است که با صرف هزینه به دست آمده‌اند. معمولاً جامعه به تخصص، دانش و مهارت فنی این نیروها نیاز دارد، اما این نیروها به دلایل مختلف مهاجرت دائمی یا نیمه‌دائمی به کشورهای دیگر را ترجیح می‌دهند.

۳. چرخش مغزها^۳

در این رویکرد مهاجرت ماهرین به معنای سرمایه‌گذاری بالقوه است نه از دست دادن آن‌ها و دانشمندان و تحصیل‌کردگانی که به خارج مهاجرت می‌کنند به عنوان منابع انسانی آموزش یافته در فعالیت حرفه‌ای و در شرایط بهتر از آن چه که در کشور مبدأشان به آن‌ها ارائه می‌شده است مشغول می‌باشند. اگر کشور مبدأ بتواند از این منابع که به وسیله سرمایه‌های دیگران شکل گرفته و

1.brain hunting
2.brain drain
3.brain circulation

کامل شده استفاده کند، نسبت به قبل چیزهای بیشتری به دست خواهد آورد (چلبی و عباسی، ۱۳۸۳: ۱۶).

۴. پدیدهٔ دنباله رو دیگران بودن^۱

نوع دیگر فرار مغزها که کمتر به آن توجه شده، پدیدهٔ دنباله رو دیگران بودن است. دانشمندان و سایر دانشگاهیان در کشورهای در حال توسعه، غالباً تلاش خود را به سوی مسائلی که در کشورهای صنعتی مطرح است سوق می‌دهند. چنان که به طور مثال، فردی دانشگاهی عناوین و روش‌هایی را به تقلید از سایر کشورها در پیش می‌گیرد، تا آن عناوین یا روش‌ها بخشی از جریان اصلی پژوهش شوند (یا در آن جریان باقی بمانند). در این صورت فرار مغزها بدون مهاجرت عملی صورت می‌پذیرد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۰، ۱۰۷؛ ترجمهٔ باقریان و فاضلی، ۱۳۸۷). بر اساس این رویکرد یک پژوهشگر یا دانشمند در داخل کشور خود برای پیوستن به جریان کلی پژوهش و تحت تأثیر تب و تاب چاپ مقاله به زبان لاتین و ارتقای علمی در سطح فردی و نیز کسب موقعیت شغلی و مالی مناسب تر و بهتر در خارج از کشور، در پژوهش‌های علمی خود بر مسائلی تمرکز می‌کند که عملاً در کشور خود کاربردی نداشته و مسئلهٔ ملی را حل نمی‌کند.

پیشینه پژوهش

منابع انسانی نخبه و کارآمد در عرصه‌های مختلف ملی، نقش حیاتی دارند و به همین دلیل، مدیریت مطلوب آنها بسیار مهم تلقی می‌شود. پژوهش‌های مختلفی در این زمینه نگاشته شده است که این پدیده را از دید عوامل سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... مورد بررسی قرار داده‌اند. چلبی و عباسی (۱۳۸۳) در مقاله «تحلیل تطبیقی فرار مغزها در سطوح خرد و کلان»، معتقدند در سطح خرد چهار متغیر سطح کیفی زندگی، آزادی، توسعه فرهنگی و درآمد، توان پیشگویی عضویت افراد را در دو گروه مهاجران و غیرمهاجران دارند. همچنین در سطح کلان تعیین‌کننده‌های اقتصادی، دموکراسی و نابرابری بر میزان جذب و دفع نیروی کار ماهر تأثیرگذار هستند. امیرشاقی (۱۳۹۴)، در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی چند لایه، مهاجرت (نخبگان)»، به بررسی نقش عوامل اقتصادی، نهادی، سیاسی و کیفیت زندگی در جریان مهاجرت از ایران پرداخته است. لذا یکی از عوامل مهم مهاجرت از کشور را شرایط نهادی و سیاسی می‌داند که نیازمند برنامه‌ریزی جامع و کلی در تمامی

1. camp –followers

حوزه‌هاست. خطیبی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان نخبه به مهاجرت از کشور (مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه تهران)»، با استفاده از روش پیمایشی یافته‌هایی را به این شرح که در میان دانشجویان، گروه فنی و مهندسی گرایش به مهاجرت بیشتر و در میان دانشجویان گروه حقوق و علوم سیاسی گرایش به مهاجرت کمتر می‌باشد. در میان طبقات مختلف اجتماعی، افراد طبقات متوسط بیش‌ترین گرایش را به مهاجرت، در حالی که کمترین گرایش به مهاجرت به طبقات پایین مربوط می‌شود. امینی (۱۳۹۴) در مقاله «توسعه یافتگی و مسئله فرار نخبگان از ایران»، فرار نخبگان از ایران را با توجه به مسئله توسعه یافتگی مورد تحلیل قرار داده‌است و معیارهای توسعه را غیر از دولت مدرن، بر اساس توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی بررسی نموده است و در هر کدام از این عناصر ضعف‌های ساختار دولتی را اعم از ضعف دیوانسالاری در ایران و فراهم نشدن دولت مدرن، تا عدم بودجه پژوهش و برنامه‌ریزی برای نخبگان و فراهم نمودن فضایی دور از سیاست‌زدگی برای ایشان مشخص نموده‌است. میرترابی و خاوری‌نژاد (۱۳۹۳) در مقاله «علل مهاجرت نخبگان از ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، معتقدند که وجود دافعه داخلی در زمینه حمایت‌های اقتصادی شامل کمبودها در سرمایه‌گذاری در بخش‌های آموزشی و پژوهشی، از طرف دیگر جذابیت‌های خارجی در این زمینه‌ها، از مهم‌ترین دلایل اقتصادی مهاجرت فزاینده نخبگان علمی به خارج از کشور می‌باشد. میر باقری و دوامی (۱۳۹۴)، در مقاله فرار مغزها، علل و انگیزه‌ها؛ به بررسی و تبیین فرار مغزها، علل و زمینه‌های آن به منشا و ریشه‌های فرار مغزها پرداخته‌اند و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این زمینه جمع‌آوری شد و این نظرات مختلف را با کمک اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی مورد سنجش و تحلیل قرار داده‌اند. آنچه در این مقالات حائز اهمیت می‌باشد این است که:

می‌توان عوامل و متغیرهای موثر در سه موضوع اصلی که محوریت مهاجرت و توسعه را تشکیل می‌دهند را به الف) فرار مغزها و توسعه، ب) جریان‌های مالی ناشی از مهاجرت نخبگان و ج) نقش جوامع نخبگان مهاجر در توسعه تقسیم کرد. با مرور نظام مند مطالعات، متوجه می‌شویم که تأثیرات بالقوه مهاجرت نخبگان بر توسعه پیچیده و چند بعدی است و نیاز به پاسخ چند بعدی از سوی سیاست‌گذاران دارد. تأثیرات مهاجرت نخبگان بسته به نوع کشور، روند اقتصادی و

اجتماعی آن کشور، می تواند مثبت یا منفی باشد و فرصت ها یا محدودیت هایی را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی ایجاد کند. آنچه که این پژوهش را از سایر پژوهش ها متمایز می کند، پرداختن به تبیین علل پدیده فرار مغزها از منظر کیفیت حکمرانی با تاکید بر مفهوم سیاست زدگی می باشد؛ که به نظر می رسد تا کنون بدین صورت بدان پرداخته نشده است. لذا نتایج پژوهش می تواند، رویکردی تازه در تبیین مسئله فرار مغزها و آسیب شناسی آن فراهم آورد.

یافته های پژوهش

تحلیل رابطه حکمرانی و فرار مغزها

منظور از حکمرانی خوب «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری براساس قانون، پاسخگویی و اثر بخشی است». سازمان های متعدد بین المللی با برشمردن ویژگی های متنوع برای کیفیت حکمرانی به تهیه شاخص هایی اقدام نموده اند که در این جا از میان شاخص های موجود به شش شاخص مهم حکمرانی خوب که توسط کافمن^۱ و همکاران 2009 معرفی شده است، توجه می شود: شفافیت و پاسخگویی^۲، ثبات سیاسی و عدم خشونت^۳، اثربخشی دولت^۴، کیفیت تنظیم گری مقررات^۵، تأمین قضایی^۶، کنترل فساد^۷ (جامه بزرگی، ۱۳۹۱).

به سخن دیگر حکمرانی خوب مشتمل بر سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و تشکّل ها منافع خود را ابراز نموده، حقوق قانونی خود را استفاده نموده و تعهدات و تکالیف خود را تحت حاکمیت قانون ایفا کنند. از سوی دیگر حکمرانی نامطلوب انگیزه برای فعالیت های نوآورانه و پربازده اقتصادی را از بین خواهد برد. بدیهی است درگیری های جناحی، نزاع های داخلی، ترور، کودتا و پدیده هایی مانند آن که مصادیقی از حکمرانی نامطلوب (ضعیف) می باشند، موجب افزایش ریسک و بی اطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور می گردد و از این رهگذر بر انگیزه فعالیت سرمایه انسانی کارآمد که جزء لاینفک توسعه در هر جامعه محسوب می شود، تاثیر بسزایی خواهد گذاشت (DeCuire & Rapoport,

1. Kaffman
2. Transparency and accountability
3. Political stability and non-violence
4. Government effectiveness
5. The quality of regulatory regulation
6. Judicial security
7. Corruption control

(44: 2003). بی‌ثباتی سیاسی، فساد، تبعیض، عدم وجود دموکراسی، وجود قوانین دست و پاگیر و عدم حمایت از مبتکران و نخبگان باعث بی‌میلی نخبگان در انجام فعالیت‌های تحقیقاتی و با ارزش افزوده بالا که در توسعه و رشد اقتصادی جوامع در حال توسعه می‌توانند نقش بسزایی داشته باشند، می‌شود.

با این اوصاف می‌توان کیفیت حکمرانی را به عنوان عامل نهادی موثر بر مهاجرت نخبگان در کشورهای در حال توسعه محسوب کرد. مهاجرت نخبگان بیشتر جنبه سیاسی-اقتصادی دارد، یعنی به خاطر فشارها و تنگناهای سیاسی و اقتصادی در یک جامعه شماری از شهروندان ناگزیر از جلای وطن می‌شوند. عامل حرکت گاهی سیاسی و گاهی اقتصادی است؛ در مهاجرتی که علت آن سیاسی باشد بیشتر عامل دافعه و در مهاجرتی که علت آن اقتصادی باشد بیشتر عامل جاذبه نقش دارد (جامه بزرگی، ۱۳۹۱: ۳۶). می‌توان گفت وجود برخی مولفه‌های اجتماعی-سیاسی از جمله مولفه‌های حکمرانی نامطلوب به عنوان عاملی سیاسی در کشورهای مهاجرفرست از جمله ایران عامل دافعه برای مهاجرت نخبگان محسوب می‌شود. یکی از این مولفه‌ها پدیده سیاست‌زدگی در ایران است که همان‌گونه که در ادامه شرح و مصادیقش می‌گذرد، می‌تواند رابطه مستقیمی با فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان داشته باشد.

سیاست‌زدگی در ایران

بعد از انقلاب اسلامی هیچ‌کدام از دولت‌ها با وجود تمام شعارهایی که دادند، موفق به اجرای سیاست‌هایی اثربخش در این زمینه نشدند. اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایران، وضعیت کار تحقیقی، فقر دانشگاه‌ها و عدم ارتباطشان با دنیای علمی و مسائل اقتصادی از علل عمده فرار مغزها از ایران می‌باشد. مشاهدات میدانی و کارهای تحقیقی، این مدعا را اثبات می‌کنند. جامعه‌شناسان، پدیده فرار مغزها را در چهار دسته می‌گنجانند. این چهار مقوله را باید از همدیگر جدا کرد (رستمی، ۱۳۹۳: ۱۰۵):

فرار نخبگان علمی از ایران، خروج فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی ایران، خروج نیروی کار عادی از کشور ایران، خروج سرمایه داران از کشور ایران (دهقانی، ۱۳۹۵: ۷۸).

سیاست، بخش انفکاک ناپذیر از زندگی بوده و مجرد از دیدگاه‌ها و روش‌های فرد و جامعه نمی‌باشد. اما این عمومیت یافتن یا اهمیت داشتن موضوع سیاست، هرگز به معنای بی‌قاعدگی آن

نیست. باید میان دو مفهوم و تلقی از سیاست، تفاوت قایل شد. آنچه که تاکنون گفته شد، مفهوم عمومی سیاست بود. ولی بخش دیگر آن، سیاست به مفهوم خاص است که با اداره کشور و نظام سیاسی ارتباط پیدا می‌نماید. در این بخش، سیاست به صورت تخصصی و به وسیله کسانی که دانش و مهارت لازم در آن راستا را دارند، پیش برده می‌شود. چنین تفکیکی میان سیاست که از آن می‌توان زیر مجموعه‌های بیشتری به دست آورد، نشانه رشد و توسعه اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد (جامه بزرگی، ۱۳۹۱: ۴۲). در جوامع رشد یافته و سازمان یافته، حد و مرزها، دایره‌ها و خطوط مسایل و موضوعات، کاملاً تعریف شده و مشخص می‌باشد. افراد جامعه نیز خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند. مسئله تداخل و تشبث نابه‌جا در امور یکدیگر و مسایل غیر مرتبط وجود ندارد و یا به ندرت پیش می‌آید. اما در جهت مخالف آن، در جوامع توسعه نیافته، به دلیل فقدان آگاهی و درک لازم، مسایل و موضوعات مطروحه، از تعریف روشنی برخوردار نیستند. چیزی به نام حد و مرز، خطوط و دایره‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود. تداخل در امور یکدیگر و تشبث در کارها، یک امتیاز و جنبه مثبت و فعال تلقی می‌شود. بسیاری از مسایل و موضوعات درست یا نادرست تعمیم می‌یابند و یا به کلی فراموش می‌شوند (فولادی، ۱۳۸۹: ۶۷).

عماد افروغ معتقد است جامعه ما به مشکلی به نام سیاست زدگی مبتلاست و در تشریح این مشکل، به نقش قدرت، به ویژه قدرت رسمی، اقتصاد رانتی، قانون گذاری، ریشه‌های ساختاری، تاریخی و البته فرهنگ عامه اشاره می‌کند. وی معتقد است، معضل سیاست زدگی در کشور ما پیش و بیش از آن که زائیده فرهنگ عمومی باشد، مولود عرصه رسمی و روابط ویژه قدرت است. وی تأکید و تأکید خود بر وجود سیاست زدگی در کشور را چنین بیان کرده: «مدتی است به یک گرفتاری به نام سیاست مبتلا هستیم؛ به این معنا که ظاهراً همه چیز سیاسی است، جز سیاست (وقوفی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). ناصر فکوهی سیاست زدگی را پیوند توهم آمیز همه امور جامعه به سیاست می‌داند. او معتقد است سیاست زدگی به این معنا در جوامع مدرن و دموکراتیک جهان غرب، اکنون دیگر چندان رایج نیست ولی در ایران، چنین پدیده‌ای هنوز با شدت و حدت وجود دارد. وی درآمدهای نفتی، میل به تصدی گری دولت در تمامی حوزه‌های جامعه و رابطه متناقض مردم و دولت در ایران معاصر را علل اصلی سیاست زدگی جامعه ایران می‌داند. سیاست زدگی در واقع بار بیش از حد بر دوش سیاست نهادن است. سیاست زدگی خود سیاست یعنی، تصدی گری

دولت در حداکثر ممکن. وقتی دولت در همه جا دخالت می‌کند، ما شاهد مصداق بارزی از سیاست زدگی هستیم. این یعنی سیاست زدگی حکومت کنندگان. سیاست زدگی مردم و حکومت کنندگان با یکدیگر مرتبط اند. شما در این جامعه هر کاری که می‌کنید، بلافاصله معنایی سیاسی پیدا می‌کند. نوع لباس پوشیدن شما هم سیاسی می‌شود (فکوهی، ۱۳۹۰).

سیاست زدگی و مسئله فرار مغزها در ایران

در ایران، سیاست‌زدگی در مسائل اجتماعی، علمی و حتی امور مربوط به ثروت و دارایی افراد، تاریخچه گسترده‌ای دارد. در حالی که شعارهای فراوانی در راستای حکمرانی خوب داده شده و تلاش‌های بسیاری نیز در این زمینه به عمل آمده است اما همچنان روابط قدرت و عدم تغییر ساخت نخبگان در رده‌های سیاست‌گذاری سبب می‌شود رسیدن به قدرت و موقعیت‌های خوب شغلی، بیشتر با روابط آشنایی، خویشاوندسالاری و براساس رابطه تحقق یابند تا بر اساس دلایل ضابطه‌مند و شایسته‌سالاری. جای‌گیری نخبگان در رده‌های پایین‌تر شغلی و موقعیت‌های نامناسب اجتماعی و مالی، به دل‌سرد شدن آنان می‌انجامد که نتایج منفی برای کشور در بردارد. جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا بر اساس آخرین آمار موجود قابل استناد در سال ۲۰۲۰ میلادی ۱/۸ میلیون نفر است؛ هرچند بر اساس منابع داخلی (دبیرخانه شورای عالی ایرانیان) جمعیت مهاجران ایرانی خارج از کشور ۴/۰۴ میلیون نفر برآورد شده است (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۲۷). برخی دولت‌ها در وارونه کردن این روند تا حدی موفق بودند و تعدادی از ایرانیان همراه با موج سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور به ایران بازگشتند. عادی شدن زندگی این ایرانیان، به ترغیب دیگران به بازگشت به ایران، کمک کرد (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۳: ۷۸). همچنین بررسی روندهای مهاجرتی در طول چند سال گذشته نشان می‌دهد که بعد از تصویب برجام و ایجاد فضای امیدواری اجتماعی و گشایش اقتصادی در کشور شاهد افت و کاهش مهاجرت‌های بین‌المللی به خارج از کشور و تشدید بازگشت متخصصان به داخل کشور بودیم (صلواتی، ۱۴۰۰: ۷).

در چند سال اخیر، شرکت‌های ایرانی علاوه بر تورم بالا، کاهش ارزش پول و تغییر در وضعیت یارانه‌ها با مشکل از دست دادن نیروی انسانی متخصص نیز، روبرو بوده‌اند، هر چند بررسی‌ها، این مشکل را برای شرکت‌ها بحرانی نشان نمی‌دهد اما مشکل برای کلیت اقتصاد ایران،

بحرانی بوده است. شرکت‌ها به دلیل وجود انبوه نیروهای بیکار در بازار کار ایران، مشکل چندانی در استخدام نیروی ماهر ندارند، اما فرار مغزها برای ایران به بهای از دست دادن توان بالقوه کارآفرینی و خلاقیت بوده است؛ سرمایه انسانی که وجود آنها برای خروج اقتصاد کشور از وضعیت فعلی، نیازی حتمی است؛ از طرف دیگر با تشدید تحریم‌ها میل و تصمیم به مهاجرت فزونی گرفته است. (صلواتی، ۱۴۰۰: ۷).

از سویی سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان، غالباً نخبگان دانشگاهی را غیرخودی و حتی رقیب خود می‌بینند و از سوی دیگر نخبگان نیز فاصله فکری زیادی با تصمیم‌گیرندگان احساس می‌کنند. دو عامل سخنان و وعده‌های عمل نشده سیاستمداران و قوانین مسئله‌دار، نشان دهنده اهمیت سیاست‌زدگی در ارتباط میان نخبگان و سیاستمداران است. در این زمینه برای نمونه می‌توان به کشوری همچون روسیه اشاره کرد که دو موج عظیم شامل: الف) خروج مولفان و هنرمندان مختلف و همچنین نیروهای چپ‌گرای انقلابی روسیه تزاری و ب) با شروع دهه ۱۹۹۰ فرار نخبگان از این کشور، را تجربه کرده است. از طرفی دیگر پس از انتخاب مجدد ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس‌جمهور روسیه پس از مارس ۲۰۱۲ دوره دیگری از فرار مغزها در این کشور رخ داده است که بر اساس آمارها در سال ۲۰۱۳ جمعیتی حدود ۱۸۶۰۰۰ نفر از اقشار مختلف از این کشور مهاجرت کردند که عمدتاً از مخالفان لیبرال این کشور محسوب می‌گردیدند. این تعداد نسبت به سال ۲۰۱۱ افزایش ۵ برابری را نشان می‌دهد. همچنین بر اساس آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ حدود ۴۰ هزار نفر از شهروندان روسی درخواست پناهندگی داشتند که افزایشی حدود ۷۰ درصد نسبت به سال ۲۰۱۲ را نشان می‌دهد. (Barro, 2016: 22-24).

نمودهای سیاست‌زدگی در تدوین و تغییر قوانین و پیامدهای آن در ایران

الف) تغییر و وضع قوانین و مقررات در آموزش عالی بر اساس سلايق حزبي دولت مستقر:

از جمله دلایل مهاجرت نخبگان از کشور مبدأ، می‌توان به نقص و ضعف در قوانین و مقررات داخلی از سویی یا اجرای آن‌ها اشاره کرد. قوانین متناسب با نیازهای نخبگان تنظیم نشده و از سوی دیگر، با قرار دادن افراد غیرنخبه و غیرشایسته، هم توان علمی و کارشناسی کشور را کنار

گذاشته و هم نخبگان را از داشتن وضعیتی که شایسته آنان باشد، ناامید ساخته است. به این ترتیب عدم شایسته سالاری و قرار گرفتن افرادی با صلاحیت‌های بسیار پایین در پست‌های حساس و مدیریتی سبب فزونی گرفتن مهاجرت نخبگان شده است. از سوی دیگر عدم اعتماد به قوانین کشور و احساس وجود تبعیض در اجرای قوانین، بر میزان بی‌اعتمادی عمومی دانشجویان و نخبگان مؤثر است (سید میرزایی، ۱۳۹۲: ۹۴).

طی سال‌های اخیر، تغییر و تحول در فضای آموزشی کشور به صورت سلیقه‌ای و بدون در نظر گرفتن مسائل کارشناسی، به دفعات رخ داده است. از طرح تغییر در پذیرش دانشجو در مقطع دکترا تا تغییر گاه و بیگاه برنامه‌های درسی، همگی حاکی از تأثیر سلیقه بر فضای آموزشی کشور بود. تغییر و تحول در پذیرش دانشجوی دوره دکترا، تنوع در سلیقه دانشگاه‌ها را از میان برده و اختیارات آن‌ها را نسبتاً در دستگاه‌های دولتی متمرکز ساخته است. این مسئله به ویژه، ضربه‌ای به دانشگاه‌های معتبر کشور برای پذیرش دانشجو است که پیش‌تر بر اساس نوع توانمندی‌های اساتید و دانشگاه تعیین می‌شد (وقوفی، ۱۳۹۴: ۱۵۲). که این امر با خود تبعات بسیاری را برای آینده کشور و نخبگان در پی خواهد داشت. همچنین عدم تعادل و تناسب در تربیت نیروی متخصص و پژوهشگر مورد نیاز کشور، مسئله‌ای مهم می‌باشد؛ چرا که معمولاً پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مختلف تطابقی با نیازهای کشور نداشته و باعث سرخوردگی بسیاری از فارغ‌التحصیلان می‌گردد. مورد مهم دیگر عدم اعزام دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای گذراندن دوره‌های کوتاه مدت به کشورهای صنعتی به دلایل مختلف از جمله: مشکلات سیاسی و قطع ارتباط با کشورهای توسعه یافته و عدم همکاری متقابل علمی، افزایش مداوم نرخ ارز که منجر به ایجاد محدودیت در حمایت مالی از سوی دولت و نیز افزایش هزینه‌های شخصی داوطلبان را به دنبال دارد. یک نکته مهم دیگر در این بحث، گسترش دانشگاه‌ها از نظر کمی و بی‌توجهی به ارزش‌های کیفی با استانداردهای آموزشی در نظام برنامه‌ریزی کشور می‌باشد. تاسیس و توسعه بدون برنامه و پیش‌بینی آینده دانشگاه‌های مختلف در کشور، خود مشکلات بسیاری را در پی داشت است. چرا که عمده این دانشگاه‌ها از نظر مالی متکی به خود می‌باشند و برای تامین هزینه‌ها شرایط پذیرش دانشجو و کیفیت تحصیل را بسیار پایین آورده‌اند. اما دولت‌های مختلف نیز جهت راضی نگه داشتن همه فارغ‌التحصیلان

عمدتاً در شرایط استخدام خود تفاوتی بین سطح کیفی دانشگاه‌ها لحاظ نمی‌کنند که این امر باعث دلسردی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تراز بالا می‌گردد.

ب) عدم وجود نظام قانونمند مربوط به حق تالیف و اختراع نخبگان:

یکی دیگر از عوامل کاهش تمایل نخبگان و به ویژه مخترعان برای ماندن در ایران، به مسئله حقوق کپی رایت و نبودن قوانین مربوط به آن باز می‌گردد. مؤلفان، مخترعان، مصنفان و دست‌اندرکاران فعالیت‌های رایانه‌ای از قبیل تولید نرم‌افزارهای کامپیوتری تخصصی در ایران، از امنیت و حمایت جامعی برخوردار نیستند. شاهد بر این ادعا دسترسی آسان و ارزان به انواع لوح‌های فشرده برنامه‌های کامپیوتری در بازارهای کشور است. در کشور ما نظامی قانونمند جهت حمایت از ثبت اختراع و اکتشاف وجود ندارد. این معضل سبب شده تا بسیاری از ارائه‌افکار خود واهمه داشته باشند. متأسفانه علیرغم توانایی‌های بسیار بالای نخبگان ایرانی، کشورمان در ثبت اختراعات و ابداعات بین‌المللی جایگاه مناسبی ندارد. قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری و عدم امنیت سرمایه‌گذاری در کشور به دلیل تغییرات پیاپی این قوانین نیز می‌تواند به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر خروج نخبگان از کشور تأثیرگذار باشد. علاوه بر این در صورت نبود قوانین حمایتی، بخشی از نخبگان، تمایل به سرمایه‌گذاری مستقیم‌ایمن، در کشور خود را از دست می‌دهند (شاه‌آبادی و پوران، ۱۳۸۹: ۳۴).

طبق تحلیل مجله اکونومیست و بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، ۹۶ درصد از اختراعات ثبت شده توسط متولدین ایران بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور ثبت شده‌است که نشان دهنده خروج استعدادها از کشور است. همین آمار برای کشور چین ۱۷ درصد و برای هند ۴۸ درصد است. در سال ۲۰۰۶ میلادی، ۵/۱ درصد تولید ناخالص داخلی صرف نیازهای آموزشی کشور شد که در مقایسه با دیگر کشورهای جهان در جایگاه رتبه ۶۷ قرار داشت. بنیاد ملی نخبگان ایران اعلام کرد که ۳۰۸ نفر از دارندگان مدال المپیاد و ۳۵۰ نفر از برترین‌های آزمون سراسری از سال ۸۲ تا ۸۶ به خارج مهاجرت کرده‌اند. (Burke & Elliott, 2008: 53).

ج) اشتغال نخبگان تحت الشعاع تغییر قوانین:

مسائل مرتبط با اشتغال نیز از جمله دلایل مهاجرت نخبگان از ایران بوده است. مانند: شرایط کار توأم با استرس، زندگی همراه ترس، ناامیدی از آینده، عدم امنیت شغلی، ارتباط میان فعالیت حرفه‌ای و باورهای سیاسی، تغییرات مکرر در سیاست‌ها و قوانین اشتغال (قوانین با هر تغییر اداری یا مدیریتی به راحتی تغییر می‌کنند) نامشخص بودن قوانین آینده و عدم قطعیت برای تحولات در حوزه‌های فردی و اجتماعی که ناشی از وضعیت کلی جامعه است. در طی سال‌های گذشته، وجود سهمیه‌های متعدد اشتغال، رابطه‌مندی در استخدام و عدم شایسته‌سالاری، بسیاری از نخبگان کشور را ناامید ساخته است (فولادی، ۱۳۸۹: ۸۵).

یکی دیگر از عوامل مهاجرت نخبگان انحصارات دولتی است. به طوری که در سال‌های پس از انقلاب، از طرفی دولت به دلیل کوچک‌سازی، از جذب نخبگان سر باز زده است و از طرف دیگر روند واگذاری فعالیت‌های کشور به بخش خصوصی به کندی پیش رفته است. در یکی از طرح‌ها، پس از دو برابر شدن ساعت کار پرستاران در ایران از ۱۵۰ ساعت به ۳۰۰ ساعت در ماه، عابدی فتاحی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ایران اعلام کرد:

«عدم تناسب تعداد بیماران و پرستاران باعث شده کار برای پرستاران سخت‌تر شود و گاهی وقت‌ها تسلیم پیشنهادات و امکانات خارجی‌ها شوند و کشور را ترک کنند که این امر آسیب‌های جدی به جامعه وارد کرده و جامعه پزشکی را با خلاء روبه‌رو می‌کند.» (Farand, 2021).

د) محدودیت در برخورداری از آزادی‌های مدنی موجود در قانون اساسی:

آزادی‌های فردی و اجتماعی از جمله اموری است که نامشخص بودن حیطه آن، در بحث خروج نیروی انسانی متخصص از کشورهای مختلف حائز اهمیت بسیار است. محدودیت آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و نشر عقاید، فقدان آزادی‌های دموکراتیک، نبود بسترها و ابزارهای مؤثر مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، فقدان وجود NGOهای (سازمان‌های غیر دولتی) واقعی مستقل از تصمیم‌گیری دولتی در امور آنها، محدودیت‌های موجود در فعالیت رسانه‌های مستقل، عدم امکان تشکیل‌های مدنی در حوزه‌های زنان، کارگران، اصناف مختلف، نهادهای دانشجویی مستقل و.... به محدود بودن آزادی‌های مدنی در هر کشوری منجر می‌گردند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت این حقوق برای مردم ایران اشاره شده است. اما در

طول بیش از چهار دهه از گذشت انقلاب اسلامی به دلایل مخالف محدودیت‌هایی در این زمینه‌ها برای اقشار مختلف ایجاد گردیده است که عرصه را بر اقشار تحصیل کرده تنگ نموده و باعث خروج آنها شود.

ل) مداخله دولت، فقدان برنامه، فساد و بوروکراسی اداری:

در کشورهایی که مداخله دولت در امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی زندگی خصوصی افراد زیاد می‌باشد، مقررات و تشریفات زاید و مفصل و پیچیده اداری حکمفرماست. استخدام‌ها، پست‌ها و مسئولیت‌ها نه بر اساس تخصص و شایستگی افراد، بلکه بر اساس روابط حزبی، فامیلی، مالی و گزینش‌های سلیقه‌ای صورت می‌گیرد و مسئولیت‌ها به افراد بدون تخصص و لیاقت واگذار شده و این بی‌لیاقتی امور جامعه را با آشفتگی، ناکارایی، عدم پیش‌بینی صحیح و فقدان برنامه مواجه می‌کند که در این بستر عرصه بر متخصصان تنگ شده و آنها را بی‌اهمیت کرده و از جامعه منزوی و مطرود می‌گرداند. بر اساس گزارش موسسه فریزر که به عنوان یک موسسه مستقل رتبه آزادی اقتصادی در بین کشورهای دنیا را با سنجش پنج محور اندازه‌دهی دولت، ساختار قانونی و حقوق مالکیت دارایی‌ها، پول سالم، آزادی تجارت بین‌المللی و محور مقررات نشان می‌دهد ایران در بین ۱۶۵ کشور دنیا در سال ۲۰۱۹ رتبه ۱۵۸ و در سال ۲۰۲۰ رتبه ۱۵۹ را به دست آورده است (فردای اقتصاد، ۱۴۰۱). امری که نشان دهنده سطح بالای مداخله دولت و لذا وجود بوروکراسی اداری می‌باشد و بنابراین به نظر می‌رسد این عامل در ایران نیز با فرار نخبگان ارتباط مستقیم داشته باشد.

راهکارهای کاهش فرار مغزها

جلوگیری از فرار مغزها و جبران خسارات ناشی از این پدیده، توجه جدی و برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت را طلب می‌کند:

شناخت نیازها و مسائل و مشکلات و دلایل آنان برای خروج از کشور، تغییر در قوانین تحصیلی به ویژه قوانینی که راه ورود بخشی از ایرانیان به مراکز عالی آموزشی داخل را دشوار می‌سازد (برای مثال برخی قوانین در خصوص تبعیض جنسیتی در ورود به رشته‌های مختلف). تصویب قوانین محکم و ثبات بخش که در عین انعطاف پذیری، احساس امنیت برنامه‌ریزی،

برای نخبگان در داخل کشور را به همراه داشته باشد. اجرای درست و بدون تبعیض قوانین؛ مانند ضابطه مندی در استخدام‌ها، عدم اعطای مجوز غیرقانونی در بورسیه‌های تحصیلی (وقوفی، ۱۳۹۴). مهیا نمودن شرایط مناسب کار و زمینه‌های تحقیق و پژوهش، ایجاد رفاه در جامعه با کاهش و از بین بردن تبعیض و بی‌عدالتی و در پی آن توجه به عدالت اجتماعی که در خود زمینه‌های جلب نخبگان را به همراه دارد؛ از جمله راه‌حل‌های اساسی در جلوگیری از پدیده "فرار مغزها" تلقی می‌شود. حمایت از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با ایجاد صندوقی و اعطای وام‌های اشتغال‌زایی و هم‌چنین بیمه‌های بیکاری و... تا زمان مهیا شدن شغل مناسب. ارتباط با فارغ‌التحصیلانی که از کشور خارج شدند و پیگیری مسائل و مشکلات آنها در زمینه‌های مختلف و برقراری روابط عاطفی با این قشر، رشته‌های دانشگاهی بر اساس نیاز کشور در زمینه‌های مختلف و متعهد شدن دولت به اشتغال دانشجویان بعد از اتمام تحصیل می‌تواند از جمله اقدامات مهم دیگر باشد.

از جمله عوامل مهم جلوگیری از فرار مغزها می‌توان به ارتباط صنعت و دانشگاه اشاره داشت؛ چرا که ارتباط این دو مرکز مهم از جمله عوامل موثر در قطع وابستگی و ایجاد انگیزه در بین دانشجویان و از طرفی جذب سرمایه‌ها و اشتغال‌زایی در صنایع می‌باشد (داورزنی، ۱۳۸۵). وجود ثبات و آرامش سیاسی و همدلی، همکاری و وحدت نیروهای خودی و احزاب سیاسی و مسئولان. احترام و توجه بیشتر به علم، دانش، خلاقیت و تحصیل. تأسیس شهرک‌هایی برای محققان و تأمین همه نیازهای علمی، تحقیقاتی، مادی و معنوی آنان در این مجموعه. تغییر ساختار نظام آموزشی، تغییر نظام حاکم بر مؤسسات آموزش عالی، گماردن افرادی شایسته و فارغ از گرایش‌های سیاسی، حزبی و جناحی بر صدارت آنها، از جمله عوامل مؤثر در جلوگیری از پدیده "فرار مغزها" است. سرانجام آنچه از همه مهم‌تر است اصلاح مفاسد اداری و حاکمیت روابط شخصی و فامیلی و گروهی و حزبی و جناحی است (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۰). به منظور رفع چنین آسیبی که پیامدهای سوئی نیز برای جامعه به دنبال دارد، توجه و مدنظر قرار دادن این مسئله از سوی مسئولین ضرورت بسیار دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهکار برای رفع چنین مسئله‌ای ارتباط بیشتر با نخبگان خارج از کشور و دعوت مجدد آنها به کشور است. علاوه بر این رفع مشکلات اقتصادی و نیز آموزشی نخبگان از ضرورت‌های رفع چنین آسیبی است. در واقع رفع علل و عوامل بروز چنین پدیده‌ای بهترین راهکار در جهت رفع آن است.

نتیجه گیری

مهاجرت از سرزمینی به سرزمین دیگر پدیده ای جهانشمول است که با رشد ارتباطات و جهانی شدن، افزایش نیز یافته است. با این حال زمانی که این مهاجرت به شکل یکسویه و توسط نخبگان یک کشور صورت می گیرد و منجر به از دست دادن نخبگان یک کشور می شود، نگران کننده می باشد معمولاً مقصد مهاجرت این نخبگان کشورهای توسعه یافته هستند که با در اختیار گذاشتن امکانات و سطح رفاهی مناسب، جاذبه و کشش لازم برای جذب این مهاجران نخبه را فراهم می کنند. در حالی که کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته ای چون ایران، اغلب در حال از دست دادن نخبگان خود به نفع کشورهای توسعه یافته بوده و از این منظر خسارات جبران ناپذیری را متحمل می شوند. یکی از مهمترین دلایلی که تاثیر به سزایی در خروج نخبگان از کشور دارد؛ وجود برخی مولفه های حکمرانی نامطلوب از جمله پدیده سیاست زدگی و عدم ثبات سیاسی در ایران است. مداخله امر سیاسی بر روابط اجتماعی، زمانی که تبدیل به سیاست زدگی و نفوذ قدرت در روابط اجتماعی شود، به در اولویت قرار گرفتن منافع شخصی و یا دسته ای گروه حاکم منجر شده و به این ترتیب مانع برنامه ریزی و سیاستگذاری منطقی و اصولی می شود و مادامی که چنین روندی حاکم باشد، حکومت چنین کشوری از شاخصه های حکمرانی خوب (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم گری قوانین، تامین قضایی، کنترل فساد) فاصله می گیرد. مداخله دولت در امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی زندگی خصوصی افراد زیاد است، مقررات و تشریفات زاید و مفصل و پیچیده اداری، حکمفرماست. استخدام ها، پست ها و مسئولیت ها نه براساس تخصص و شایستگی افراد، بلکه براساس روابط حزبی، فامیلی، مالی و گزینش های سلیقه ای، صورت می گیرد و مسئولیت ها به افراد بدون تخصص و لیاقت واگذار شده و این بی لیاقتی امور جامعه را با آشفتگی، عدم کارایی، عدم پیش بینی صحیح و فقدان برنامه مواجه می کند. از سوی دیگر در برخی مسائل مربوط به نخبگان مانند تحصیلات و ضوابط آموزشی و پذیرش ها، اشتغال، حق و حقوق تالیف، حق فعالیت های مدنی و فرهنگی، حق مالکیت فکری و ... عدم وجود قوانین و یا تغییرات سلیقه ای در قوانین در دوره های مختلف عرصه را بر متخصصان و نخبگان تنگ کرده و سبب بی اهمیت شدن آنها و منزوی و مطرود شدن آنها می شود.

فهرست منابع

- Amini, Ansar. (1394). The development and the problem of the escape of elites from Iran, International Conference on Migration: Patterns, Consequences and Policies, Tehran: Tarbiat Modares University / [In Persian] .
- Amirshaghghi, Shahin. (1394). A multi-layered sociological study, migration (elite), international conference on migration: patterns, consequences and policies, Tehran: Tarbiat Modares University / [In Persian] .
- Asgari, Heshmatullah, Taqvi, Mehdi, (2013), a new approach to the problem of brain drain and its role in the accumulation of human capital in the countries of origin, Economic Research, 45, 90, 118-95 / [In Persian] .
- Chalabi, Massoud, Abbasi, Rasool, (2018), comparative analysis of brain drain at micro and macro levels, Research Journal of Human Sciences, (42-41), 13-46 / [In Persian] .
- Dehghan, Mehdi, (2012), from brain drain to the new and unknown phenomenon of brain exchange, Political Science: Political--Economic Information, 191, 229-220 / [In Persian]
- Dehghan-Shabani, Zahra, Hadian, Ebrahim, Nasirzadeh, Faezeh, (2015), The effect of the composition of human capital on the regional growth of the Iranian economy: a spatial dynamic panel data approach. Iran Economic Research, 21, 66, 272-249 / [In Persian] .
- Farastkhah, Maqsood, (2016), academic independence in Iran; Promoters and Inhibitors, Proceedings of the National Conference on Independence of Universities: Challenges and Strategies, Tehran: Allameh Tabatabai University / [In Persian].
- Fuladi, Mohammad, (1389), investigation of the phenomenon of brain drain, its effects and consequences, Marafet, 53, 83-93 / [In Persian] .
- Horri, Alireza, Jalali, Seyyed Abdul Majid, and Hamza Nejad, Nasim. (2014). Investigating the effect of brain drain on Iran's production and foreign trade using a computable general equilibrium model, Quarterly Journal of Applied Economic Theory, 1, 2, 44-25 / [In Persian] .
- Iran Chamber of Commerce and Economic Research Center, (1378), "Brain drain and how it spreads", Chamber of Commerce, 8 / [In Persian] .
- Khatibi, Ameneh, (2014), Sociological investigation of factors affecting the tendency of elite students to emigrate from the country (case study, Tehran University students), International Conference on Migration: Patterns, Consequences and Policies, Tehran: Tarbiat Modares University / [In Persian] .
- Mir Bagheri, Mohammad Hossein and Davami, Parviz, (2014), brain drain, causes and motivations, Iran Engineering Education, -8, 31, 1-23 / [In Persian] .
- Mirtorabi, Saeed, Khavarinejad, Saeed, (2013), The causes of elite migration from Iran from the perspective of international political economy, International Political Research, Islamic Azad University, Shahreza Branch, 19, 199-233/ [In Persian] .
- Rostami-Hasuri, Hajar, (2014), the effect of migration of skilled manpower (brain drain) on poverty in developing countries. Financial and economic policies, 2, 5, 104-93 / [In Persian] .
- Safarian, Ruhollah, Imam Jumezadeh, Seyyed Javad, (2016). The model of good governance, social capital and comprehensive development, Dolat-Pozhuhi, 3, 14, 181-145 / [In Persian] .
- Seyed Mirzaei, Seyed Mohammad, (2013), A look at the phenomenon of brain drain, Cultural Research, 9, 81-98 / [In Persian].

- Shah-Abadi, Abolfazl, Karim-Keshte, Mohammad-Hosseini and Mahmoudi, Abdullah, (2018), Investigating factors affecting brain drain (case study of Iran), *Business Journal*, Vol. 39, 39-82 / [In Persian] .
- Shah-Abadi, Abolfazl, Pourn, Roghieh, (2019, investigation and calculation of the effect of brain migration on Iran's economic growth through direct and indirect channels), *Business Research*, 55, 1-46 / [In Persian] .
- Shariat, Reza, (1381), brain drain, work and society, 43, 22-27 / [In Persian] .
- Tawakkol, Mohammad, Irfan Manesh, Iman (2013), qualitative meta-analysis of scientific articles on the issue of brain drain in Iran, *Iranian Social Issues Quarterly*, 5, (1), 45-75 / [In Persian] .
- Zamani, Seyyed Ghasem and Shakib Menesh, Hoda. (2018). The position of the principle of legitimate expectations in the World Trade Organization. *Public Law Research*, 21(64), 9-32 / [In Persian] .

Books

- Bayat, Abdul Rasul. (1381). *Dictionary of Words*, Qom: Institute of Religious Thought and Culture / [In Persian] .
- Burke, Andrew & Elliott, Mark, Iran. *LONELY PLANET* .(2008) ISBN 1- 74104-293-3 pp.53
- Clifford, C., & Wright, V. (1997), "The Politicization of the British Civil Service: Ambitions, Limits and Conceptual Problems", Unpublished paper, Oxford: Nuffield College.
- Iran Migration Observatory, Policy Institute of Sharif University of Technology. (1400) *Iranian Migration Yearbook 1400*, Tehran: Danesh Banian Fanavar / [In Persian] .
- Peters, Guy, & Pierre, J. (2004), "Politicization of the civil service: concepts, causes, consequences", In B. G. Peters & J.
- Pierre (Ed.), *Politicization of the Civil Service in Comparative Perspective: The quest for control (Routledge Studies in Governance and Public Policy)* (pp.1-13), London & New York: Taylor & Francis e-Library.
- Rashno, Nabi Elah. (2012), *Geopolitics of Elites*, Tehran: Kabir / [In Persian] .
- Salavati, Bahram, (1400), *Iranian Migration Yearbook 1400*, Tehran: Danesh Banian Fanavar/ [In Persian] .
- World Bank Report, (2007), *Higher Education in Developing Countries: Fear and Hope*, translated by Fatemeh Bagharian and Esmet Fazli, Tehran: Shahid Beheshti University (date of publication in the original language, 2000) / [In Persian] .

Thesis

- Davarzani, Tahereh. (1385). *Pathological examination of brain drain with emphasis on social and / [In Persian] .cultural consequences*. Master's thesis, Al-Zahra University.
- Jameh Bozordi, Amina (2012), the effect of governance and intellectual property rights on the migration of elites from selected developing countries to the United States of America. Master's thesis in the field of economic sciences, Abu Ali Sina University / [In Persian] .
- Shabanlou, Rahim, (2008), study of the tendency of students to emigrate from the country, master's thesis, Tarbiat Modares University / [In Persian] .
- Waqofi, Hassan, (2014), causes and consequences of brain drain in Iran. Master's thesis, Khwarazmi University, Tehran / [In Persian] .

Websites

- Asriran analysis site, (29/12/2019), a conversation with Nasser Fakuhi about the politicization of contemporary Iranian people, Asri Iran analysis site, accessible at <https://www.asriran.com> / [In Persian] .

Farand's analytical site (08/09/1400), article on the philosophy of brain drain in Iran and the world, accessible at <https://frand.ir/> [In Persian] .

Farday Eghtesad site, (22/06/1401), article on Iran's score in economic freedom, reference medium of economic trends accessible at <https://www.fardayeeghtesad.com/> [In Persian]

ISNA News Agency (ISNA), (09/01/2018) in a conversation with Emad Afrough, accessible at <https://www.isna.ir/> [In Persian].

